

طوطی فلوبر

جولين بارنز

مترجم

الهام نظری

ماجرای ترجمه این کتاب او شروع شد آن موقع جولین بارنز تاره خارج از مردم را برخی اخیرین کشید و درین من آن کتاب را خویدم و خواندم و اعماقت بردم بعد مخفی ترجمه این کتاب که گذشت سالها با آقای اسحق شورابی که این کتاب معرفه کردند و خواستند که این کتاب را خودنمایی کنند همچنان که سال پیش مستخر شده و بیش از سال خوش اتفاقی در رمان ادبی می‌باشد که این ادبی است، من که این کتاب را شنید این کتابی من این این کتاب یاد من که خودم کتاب را خویدم و خودم خواندم و تضمیم گرفتم ترجمهش کنم.

ترجمی این کتاب که سخن بود از قدر لایهای بیان و اشارهای پیامبری داشت که بمر توانیم سری از این موارد را که می‌گذرد در ساعت‌ها ساعتی یک اصطلاح بازیخواه را حستیم که من که هم متن از اینها باید

برده شده خواهد و از ترجمه می‌دانم این اصطلاحات هم گذشت که قرآن ترجمه را خواهی داشت از این دو این اصطلاحات را باید بدانم که این دو اصطلاحات که داشتند

که داشت ترجمه کار که تمام این دو اصطلاحات را فرمودی که نسلط بسیار خوبی به زبان انگلیسی و قدری که نمی‌دانم این دو اصطلاحات را فرمودی

خواهد و یا متن اصلی این دو اصطلاحات را فرمودی که نمی‌دانم این دو اصطلاحات را فرمودی و داشتند که مترجم



نشرماه

تهران

۱۳۹۷

لر لیم باید لیست شده باشد یادداشت مترجم
نیز عبارت از لعله دلخواه است که معمولی را فرموده و معمولی را
همچنانچه در اینجا معرفت نموده است. همان‌طور که در اینجا نشان داده شد
روزگار پیش از آنکه می‌تواند این انتشاری شوند، این انتشار را می‌توان
بیان کرد که این انتشار را می‌توانند این انتشار را می‌توانند این انتشار را
بیان کرد که این انتشار را می‌توانند این انتشار را می‌توانند این انتشار را

ماجرای ترجمه‌ی این کتاب از جلسات داستان‌خوانی زنده‌یاد کورش اسدی شروع شد. آن موقع جولین بارنز تازه جایزه‌ی بوکر را برای آخرین کتابش برده بود. من آن کتاب را خریدم و خواندم و واقعاً لذت بردم. قصد داشتم ترجمه‌اش کنم که گفتم قبلش با آقای اسدی مشورتی بکنم. او به من گفت معروف‌ترین اثر این نویسنده طوطی فلوبر است که سال‌ها پیش منتشر شده و در زمان خودش انقلابی در رمان‌نویسی پست‌مدرن به شمار می‌آمده است. می‌گفت هوشیگ گلشیری مرتب از این کتاب یاد می‌کرد. خلاصه کتاب را خریدم و دو روزه خواندم و تصمیم گرفتم ترجمه‌اش کنم.

ترجمه‌ی این کتاب کار سختی بود. آنقدر لایه‌های پنهان و اشاره‌های بینامتنی داشت که نمی‌توانستم سرسری از کنارشان بگذرم و گاه ساعتها معنای یک اصطلاح یا ارجاع را جست‌وجو می‌کردم. بیشتر کتاب‌هایی که در متن از آن‌ها نامی برده شده خواندم و از ترجمه‌های فرانسه و اسپانیایی هم کمک گرفتم. ترجمه را در جلسات داستان‌خوانی می‌خواندم و دیگران نظر می‌دادند، چه از نظر زبان و لحن و چه دقیقت ترجمه. کار که تمام شد، همسرم، احمدعلی فرهودی، که تسلط بسیار خوبی به زبان انگلیسی و فرانسه دارد، این ترجمه را نیز مثل کتاب‌های قبلی ام خواند و با متن اصلی مقابله کرد. سر آخر هم مهدی نوری و علیرضا اسماعیل‌پور، با دلسوزی و دقیقی بی‌مانند، زحمت بسیاری برای ویرایش کتاب کشیدند.

خلاصه این کتاب مسیری طولانی را طی کرده تا به دست شما برسد. اما با این همه، هیچ ترجمه‌ای بی‌نقص نیست و املای نانوشته است که غلط ندارد. از شما خوانندگان عزیز خواهش می‌کنم در صورتی که متوجه نکته‌ای در ترجمه شدید، حتماً از طریق نشر ماهی ما را در جریان بگذارید تا آن را در چاپ‌های احتمالی بعدی اصلاح کنیم. جادارد همین جا از همه کسانی که من را در این مسیر یاری کردن سپاسگزاری کنم. این ترجمه را تقدیم می‌کنم به یاد کورش اسدی عزیز و همه‌ی این عزیزان.